

مدرس قناعت و خلوص و دل‌سوزی

یادی از آیت... سیدمحمد موسوی نژاد، مؤسس مدرسه علمیه موسوی‌نژاد مشهد که ۲۴فروردین ۱۳۹۵ درگذشت



آیت‌الله سیدمحمد موسوی‌نژاد

پاییز در حجره‌های حوزه علمیه مگر نبود همین پسر حاجی فلاّنی که یک بازار فرش سر اعتبار پدرش قسم می‌خورد؟ چند سالی آمد حوزه، مشغول تحصیل شد، در مسیر افتاد اما آهسته‌آهسته از ادامه راه دست کشید و برگشت حجره پدرش توی بازار. انگار این قفره مشغولیت در آن زمانه، آینده روشنی نداشت. همان دودوتا چهارتای چرتکه پشت انبار قالیچه‌ها، ارجح بود به تورق دروس صرف ونحو. از این قسم انصرافی‌های حوزوی کم نبود. این‌ها قلب حاج آقای موسوی‌نژاد را سوزانده بود. مردی که تارمق به چشمانش بود، جوانی‌اش را گذاشته بود پای درس و طلبگی و تکلیفش با مسیرش روشن بود و قدم‌هایش استوار اما حالا به چشم می‌دید جوان‌ها یکی یکی می‌آیند، سرکی به حجره‌های حوزه می‌کشند و مدتی بعد عبا‌ی تحصیل را آویز دیوار می‌کنند، برمی‌گردند توی بازار. یادش می‌آمد از روزهایی که با چه اشتیاقی ایرده را ترک کرده تا به مشهد بیاید و حجره‌نشین مدارس علمیه شهر شود. اوایل دهه ۴۰ بود راه افتاد سمت نجف، سراپا شوق و انگیزه بود. از بخت خوش، می‌توانست شاگرد دروس خارج فقه استادانی چون سید ابوالقاسم خویی و حسینی شاهرودی و حضرت امام شود. می‌خواست بماند و بخواند و تا انتهای این لذت معنوی را در عراق زندگی کند. اما اواخر دهه ۴۰

بود که سویی چشمانش کم شد. خودش به هر زحمت بود، مدارامی کرده اما به توصیه استادان برگشت ایران و بار دیگر مجاور امام رضا(ع) شد. حالا، مردی که تا دیروز هراتجه می‌خواند بی‌فاصله تدریس می‌کرد و برای خودش حلقه شاگردان مقبولی داشت، باید می‌پذیرفت دیگر نمی‌تواند با وجود ضعف بینایی و سردردهای مکرر، خود را وقف مطالعه و تدریس کند. اما آدم یک جانشستن نبود. این پاییز طلبگی را در مدارس حوزه علمیه به چشم می‌دید و زبان در دهان می‌گزید. مدرسه‌ها، نظم و نظام روبه‌راهی نداشتند. از یک در، جوانک‌ها داخل می‌شدند و امید می‌رفت از در دیگر به قامت یک شیخ خدوم در مسیر اسلام به جامعه برگردند، اما

این کار... موازید کوتاه و قاطع پاسخ داده آیت... مروارید حاج آقای موسوی‌نژاد با شانه‌های افتاده مسیر آمده را برگشت. رفته بود محضر آیت... مروارید تا تقاضا کند یک مدرسه راه بیندازند و باقی‌امور را بسپارند به او. هم درس‌ها را می‌داند و هم تمام زمانش را می‌تواند صرف مدیریت و برنامه‌ریزی امور مدرسه کند، اما حرف استاد، یکی بود. یک باری هم رفت خدمت حاج آقا حسین شاهرودی و بار دیگر دست خالی برگشت. آن چنان که حاج آقای سیدان و دیگر علما، آب پاکی را ریخته بودند روی دستش. اما بر حسب تصادف، آن روزی که حوالی ظهر در مسیر منزل، با مرحوم آیت... میرزا جوادآقای تهرانی روبه‌رو شد و در نهایت استیصال، حاجتش را مطرح کرد. هیچ گمان نمی‌کرد ظهر روز بعد حاج جواد آقا پای خودش بیاید منزلش تا پدرانه او را به انجام این کار تشویق کند. این حمایت عاطفی میرزا جواد آقا، بارقه‌امیدی به دل سیدمحمد انداخته بود. انگار کافی بود کسی آتش این کار را در دلش ر و ش کند.

مدتی بعد، مرحوم حاج آقای کوهستانی هم او را به تأسیس مدرسه، ترغیب کرد. بالاخره برای خودش آبرویی داشت. در مدرسه جعفریه تدریس می‌کرد. اعتباری میان علما دست و پا کرده بود. به این ترتیب پس از فراز و فرودهای بسیار، سال ۱۳۴۹ مدرسه حاج آقا موسوی‌نژاد تأسیس شد!

وقف زندگی برای مدرسه

همچنان که به شمار کتاب‌های کتابخانه مدرسه بائمر «کتابخانه شخصی موسوی‌نژاد» افزوده می‌شد، رنگ‌رواز عبا‌ی کهنه آیت... کم می‌شد. اوتامام‌زندگی‌اش را وقف مدیریت مدرسه کرده بود و هیچ اعتنایی به ظواهر زندگی نداشت. کنار همان کتابخانه یک دفتر

حسین شاهرودی و بار دیگر دست خالی برگشت. آن چنان که حاج آقای سیدان و دیگر علما، آب پاکی را ریخته بودند روی دستش. اما بر حسب تصادف، آن روزی که حوالی ظهر در مسیر منزل، با مرحوم آیت... میرزا جوادآقای تهرانی روبه‌رو شد و در نهایت استیصال، حاجتش را مطرح کرد. هیچ گمان نمی‌کرد ظهر روز بعد حاج جواد آقا پای خودش بیاید منزلش تا پدرانه او را به انجام این کار تشویق کند. این حمایت عاطفی میرزا جواد آقا، بارقه‌امیدی به دل سیدمحمد انداخته بود. انگار کافی بود کسی آتش این کار را در دلش ر و ش کند.

طرح: جمال حاجی‌زاده اشورآرا

در باب روزی و روزی ده

گلستان سعدی

یکی را شنیدم از پیران مریی که میریدی را همی گفت: ای پسر! چندان که تعلق خاطر آدمیزاد به روزی است اگر به روزی ده بودی به مقام از ملانکه درگذشتی.

فراموشت نکرد ایزد در آن حال که بودی نطفه مدفون و مدهوش روانت داد و طبع و عقل و ادراک جمال و نطق و رای و فکر و هوش ده انگشتت مرتب کرد بر کف دو بازویت مرکب ساخت بر دوش کنون پنداری ای ناچیز همت! که خواهد کردنت روزی فراموش؟

حکایت

کوچه

ماجرای بانک سپه از تهدید تا فرصت



غلامرضا نین‌آسادی روزنامه‌نگار

ده‌ها و بلکه صدها میلیاری در حساب شرکت‌ها، نهاده‌ها و اشخاص از کجا آمده است با چه ظرفیت‌هایی انباشت شده است. مهم‌تر از این هم اینکه معلوم شود به کجا قرار است برود؟ چه رابطه‌ای با سرمایه‌گذاری برای تولید دارد؟ شاید که -حتما- بسیاری از اسامی مطرح شده هم دست‌پاک دارند و هم دل و دیده‌پاک، اما برای پاک‌شدن شائبه‌ها و غبارها لازم است شفافیت به خرج دهیم. معلوم شود این مبالغ کلان در کدام هندسه و قاعده اقتصادی سر از بانک درآورده است. قطعاً قرار بر بلوکه‌شدن آن در بانک نیست پس باید پی‌جو شد که

عاقلان فقط آن‌هایی نیستند که از خیر، جاده‌ای به خیر دیگر باز می‌کنند. فرصت را با فرصتی برتر گره می‌زنند. عقلانیت در کسانی عیار بالاتری دارد که از چالش‌ها راه به موفقیت می‌گشایند و هر شکست را به پلی ناگسستگی برای پیروزی تبدیل می‌کنند. به گمان من، قصه‌هک شدن حساب‌های بانک سپه از جمله ماجراهایی است که می‌تواند و حتی باید در نهایت بدی، به خیر بینجامد. می‌شود از این ماجرا که بسیاری تهدید می‌دانند راه به فرصت باز کرد. فرصتی به نام شفافیت و سلامت و همان که در بیانیه گام دوم انقلاب تصریح شده است، طهارت اقتصادی. باید احوال پرسید که سپرده‌های



عکس روز

عمارتی که زنده به نقاشی است

سرنوشت خانه پلاک ۱۳ که در بخش روس‌نشین کوچه پنجه در چهارباغ قرار داشته، این‌طور رقم خورده است که از کزند تخریب در امان بماند و تاریخ را در خود حفظ کند. خانه‌ای با دو پلاک خاص در محله بالاخیابان، یکی کاشی سفیدرنگ مربوط به دوره قاجار با شماره ۸۰ و دیگری پلاک فلزی زنگ‌زده‌ای که شماره ۱۰۱۲ از دوره پهلوی روی آن حک شده است. خانه سوهانگر که قدمتش به دوره قاجار برمی‌گردد، از دو سال پیش در حال مرمت است. نقاشی صدساله روی یکی از دیوارهای این خانه، بزرگ‌ترین نقاشی بناهای تاریخی در بافت تاریخی موجود در مشهد است.



روایت: نجمه موسوی کاهانی
عکس: فهیمه جاهدی / شهرآرا
برای مطالعه گزارش روزنامه شهرآرا درباره این خانه تاریخی کد را اسکن کنید.

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی صاحب امتیاز

مدیرمسئول: سید مرتضی مهر سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵

تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

۲۴ فروردین ۱۴۰۴

شماره ۴۴۶۶

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوانید نامۀ اخلاق حرفه‌ای

دمای هوای مشهد

۶۲٪ رطوبت هوا

۲۵٪

۱۴٪

۲۵٪

ظهر

۱۷٪

صبح

۱۶٪

شب

۲۱٪

عصر

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر: ۱۱:۳۲:۰۱ نیمه شب شرعی: ۲۲:۴۷:۳۸

غروب آفتاب: ۱۸:۰۳:۴۱ اذان صبح فردا: ۰۳:۲۹:۵۸

اذان مغرب: ۱۸:۲۲:۲۴ طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۸:۵۹

کارتون شهر



فروشگاه‌های بزرگ لوازم خانگی منجر به حذف کسب و کارهای خرد می‌شوند.



رضا خجیپور

منبع: مهر

شوخی بی‌شوخی

از آن بالا چرخ‌بال می‌آید، یک دانه ششوار می‌آید!

به جای فوتبال، در آن همه آب‌و‌اتر پلو برگزار شود از بالگرد برای خشک کردن زمین استفاده کردند.

● دوستان توجه کنند که بازی خیبر خرم‌آباد و شمس‌آذر قزوین همچون بقیه بازی‌های لیگ خیلی باکیفیت است و هر طور شده باید برگزار شود. بازی‌های الکلاسیکو نیست که فاقد اهمیت باشد. خدا می‌داند چند میلیارد آدم از چند روز قبلش چشم می‌کشیدند تا این بازی را ببینند. خوب بود آخرش هم مجری خبر ورزشی اعلام می‌کرد که داداش‌های گلم شرمنده! بازی شمس‌آذر و خیبر برگزار نمیشه!

● ما که فنی نیستیم ولی همان‌طور که پراید اگر مدتی روشن نشوند باتری خالی می‌کند، شاید بالگردها هم یک مدت اگر روشن نشوند باتری‌شان سیه‌سبز و همچنین آن عزیزانی که به‌خاطر رفتن پیش پنگوئن‌ها برکنار شد باز شود تا این اول‌سال‌ی چهار نفر به جمعیت بیکار کشور اضافه نشود.

● همیشه پیشگیری بهتر از درمان است، حتماً باید کسی توی آن زمین خیس، زمین می‌خورد تا بعد به فکر درمانش باشند اینجا هلال احمر به جای درمان پیشگیری کرد که بیشتر جای تجلیل دارد تا تنبیه!

هفته قبل، تیم فوتبال خیبر خرم‌آباد میزبان تیم شمس‌آذر قزوین بود که با توجه به پرآب بودن ورزشگاه از بالگرد هلال احمر به عنوان ششوار برای خشک کردن زمین فوتبال استفاده شد، این اقدام، منجر به برکناری سه مدیر هلال احمر لرستان شد. در این باره ذکر چند نکته ضروری است:

● آنجا که همه ما در این خاک و آب به دنیا آمده‌ایم به روند اداری کشور وقوف کامل داریم و نیک می‌دانیم در واقع کسی برکنار نمی‌شود بلکه از پستی به پست دیگر منتقل می‌شود. در این مورد هم امیدواریم در سطوح بالاتر مدیریتی یک جایی برای این سه عزیز و همچنین آن عزیزانی که به‌خاطر رفتن پیش پنگوئن‌ها برکنار شد باز شود تا این اول‌سال‌ی چهار نفر به جمعیت بیکار کشور اضافه نشود.

اگر برای خنک کردن جای یاسوپ داغ شخصی از بالگرد استفاده می‌کردند واقعا کار اشتباهی بود و برکنار شدن حقیقتان بود، ولی این عمل از روی دل‌سوزی بود. این مدیران چون نمی‌خواستند